

Prison Meeting Room and the Process of Technological Control of Prisoners (1979-1953)

Yaghoub Khazaei*

Abstract

With the writing of criminal law since the constitutional period, changes have taken place in the situation of prisoners. One of these changes concerns the right of Meeting prisoners. Traditionally, prisoners were given Meeting not as accepted and customary but as something that occasionally through bribery and friendships. But since the time of constitutionalism, the rights of individuals have been gradually recognized in society as well as in prisons. meeting is one of the most important rights of prisoners that entered the criminal law of Iran with the compilation of the first prison regulations during the constitutional period by the Swedes. The problem of this article is that explains the relationship between new technologies in the meeting room and totalitarian control of prisoners in the period after the coup d'état until the Islamic Revolution. The research results confirm that the development of new procedures in the meeting room is another symbol of a power-oriented will and the control of all prisoners's actions in the meeting room was monitored using new technologies such as recording the meeting room telephone conversation and creating a thick glass wall between the visitor and prisoner. Indeed unlike the free and face-to-face meeting of the premodern period, the meeting in the new period with technological controls is unsatisfactory.

Keywords: prison, meeting, meeting room, prison regulations, Pahlavi.

* Faculty member of Imam Khomeini International University, khazaei@HUM.ikiu.ac.ir

Date received: 2021/06/08, Date of acceptance: 2021/09/17



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

اتاق ملاقات زندان و فراگرد کنترل تکنولوژیکی زندانیان (۱۳۳۲-۱۳۵۷ ش)

یعقوب خزائی*

چکیده

با تدوین حقوق کیفری از دوران مشروطیت در وضع و احوالات زندانیان تغییراتی حادث شد. یکی از این تغییرات به اعطای حق ملاقات به زندانیان برمی گردد. از قدیم‌الایام اعطای ملاقات به زندانیان امری پذیرفته شده و طبق عرف نبود، بلکه به مثابه امری بود که گاه و بی‌گاه ولو از طریق رشوه و روابط دوستانه صورت می گرفت. از دوران مشروطیت اندک اندک حقوق افراد در جامعه و نیز زندان به رسمیت شناخته شد. ملاقات یکی از حقوق مهم زندانیان است که با تدوین نخستین آیین نامه زندان در دوران مشروطیت توسط سوئدی‌ها وارد حقوق کیفری ایران شد. حال مسئله پیش روی نوشتار حاضر این است که نسبت میان تکنولوژی‌های نوین در اتاق ملاقات و کنترل توتالیتر زندانیان در دوران بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا سال ۱۳۵۷ را مورد بررسی قرار دهد. نتایج پژوهش مؤید آن است که تکوین رویه‌های نوین در اتاق ملاقات نماد دیگری از اراده معطوف به قدرت است، به طوری که کنترل تمام رفتارهای زندانیان در اتاق ملاقات با استفاده از تکنولوژی‌های نوین هم چون ضبط گفت و گوی تلفنی اتاق ملاقات و ایجاد دیوار شیشه‌ای ضخیم بین ملاقات کننده و ملاقات شونده زیر نظارت کامل قرار گرفت و برخلاف ملاقات آزادانه و حضوری دوره پیشامدرن، ملاقات در دوره جدید با کنترل‌های تکنولوژیکی عاری از رضایت بخشی است.

کلیدواژه‌ها: زندان، ملاقات، اتاق ملاقات، آیین نامه‌های زندان، پهلوئی.

* عضو هیئت علمی گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، khazaei@HUM.ikiu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۶



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

زیست در زندان فرد را از ارتباط با محیط خارج از زندان محروم می‌کند و اگر این حرمان و محرومیت به مدت طولانی استمرار پیدا کند، آسیب‌های جدی روانی متوجه فرد می‌شود. بنابراین، محکومان به‌طور طبیعی در زندان در تلاش‌اند تا هم با زندانیان سلول‌های دیگر و هم با خانواده‌های خود ارتباط برقرار کنند. زندانیان برای برقراری ارتباط با زندانیان سلول‌های دیگر از روش‌هایی هم‌چون مورش استفاده می‌کردند (میشمی ۱۳۹۸: ج ۳، ۲۱۶؛ بازرگانی ۱۳۹۷: ۱۴۱-۱۴۲؛ سماکار ۱۳۸۱: ۲۰۹-۲۱۱). از سوی دیگر، آن‌ها برای برقراری ارتباط با خانواده از دو روش استفاده می‌کردند؛ مکاتبه و نامه‌نگاری یکی از طرق ارتباط زندانی با خانواده و بستگانش بود که این روش خصایصی در قیاس با دیگر روش‌ها داشت. استفاده از روش نامه‌نگاری برای خانواده‌های زندانیان هم کم‌هزینه‌تر و هم تاحدی سهل‌تر بود. در مکاتبه دیگر نیازی نبود تا خانواده‌های زندانیان از راه‌های دور و نزدیک به زندان محل حبس خویشاوند خود بروند. از این‌رو، منطقی است که تصور کنیم خانواده‌هایی که به هر دلیل امکان عزیمت به زندان را نداشتند، از طریق مکاتبه و نامه‌نگاری با فرد در بند خود ارتباط برقرار می‌کردند.

روش دوم ارتباط زندانیان با خانواده ملاقات است که در سنجش با مکاتبه واجد خصایص خود است. تا قبل از انقلاب مشروطه ملاقات زندانیان یک حق قانونی نبود، بلکه به‌مثابه امری بود که گاه‌به‌گاه با رشوه‌دادن و روابط شخصی امکان‌پذیر می‌شد، ولی با تأسیس نظام مشروطه حقوق مردم مورد توجه قرار گرفت. در حقوق کیفری نوینی که بعد از مشروطه تدوین شد حقوق زندانیان نیز لحاظ شد. ملاقات نیز یکی از حقوق زندانیان بود و زندانیان حق داشتند در روزهای خاصی با خانواده و بستگان خود ملاقات کنند. در این‌جا، دست‌کم از بُعد نظری تمام زندانیان قطع نظر از شأن و جایگاه اجتماعی‌شان حق ملاقات داشتند. در مقاله حاضر، دو سؤال اصلی مطرح است. نخست تمایز میان امر «دوژور» (de jure) یا «امر قانونی» و «دوفاکتو» (de facto) یا امر واقعی در ملاقات زندانیان چیست؟ مقصود از امر دوژور یعنی امری است که قانون آن را مشروع دانسته و در جامعه به امری حقوقی و به‌هنگار شناخته می‌شود، ولی «دوفاکتو» به امری اطلاق می‌شود که به عمل سیاسی، اجتماعی، و در واقع امر بالفعل اشاره دارد. درحقیقت، ممکن است قانون حقی را به رسمیت بشناسد، ولی در عمل آن حق محقق نشود یا به‌گونه‌ای با قانون عملی مغایر شود. لذا یکی از پرسش‌های مقاله کنونی آن است که تعارضات میان امر دوژور و دوفاکتو

را در ملاقات زندانیان نشان دهد و پرسش دوم و مهم تر این که تأثیرات تکنولوژی را در کنترل کنش های زندانیان در اتاق ملاقات ارزیابی کند؟ در مورد سؤال نخست می توان گفت که شکاف میان امر قانونی و امر واقعی بسیار زیاد بود و بسیاری مواقع حقوقی زندانیان نادیده انگاشته می شد. فرضیه پرسش دوم هم متضمن این ایده است که کنترل شدید فضای اتاق ملاقات از طریق تکنولوژی مدرن ملاقات را از بن مسخ کرده بود. لازم است یادآوری شود که راقم این سطور در کتاب *فرایند ساخت یابی نهاد زندان* بخش کوتاهی را به اتاق ملاقات و وضع ملاقات ها در زندان های عصر مشروطه و پهلوی اول اختصاص داده بود و در آن جا به تغییرات در فضای کالبدی اتاق ملاقات از جمله ایجاد رشته های سیمی در اتاق ملاقات به عنوان یکی از موانع ملاقات اشاره کرده بود (خزائی ۱۳۹۸: ۱۷۱-۱۷۸). محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی هم در کتاب *تاریخ تحولات زندان* قوانین مرتبط با زندان در دوران پهلوی را ارزیابی کرده اند، ولی اساساً به وضع واقعی زندان ها و ملاقات ها عنایت نداشته اند. بر این اساس، مقاله حاضر وضع ملاقات زندانیان را در چند دهه بعد از کودتای ۲۸ مرداد مورد بررسی قرار می دهد.

۲. ملاقات در حکم حق و قانون

حق و حقوق از مهم ترین مفاهیم اندیشه مدرن است. هابز از نخستین اندیشه ورزانی است که به حق افراد جامعه در تعیین حاکمان سیاسی اشاره کرده بود و او بود که مفهوم «قرارداد اجتماعی» را وارد اندیشه سیاسی کرد. به تدریج، بحث حقوق اجتماعی و سیاسی با تکوین نهضت های اجتماعی و تلاش اندیشه ورزانی هم چون منتسکیو نضج گرفت و بعدها حقوق زندانیان نیز مطمح نظر قرار گرفت. اصطلاح «حقوق زندانیان» در سومین کنگره بین المللی حقوق جزا و زندان ها پذیرفته شد. در کنگره مزبور، حقوق زندانیان چنین تعریف شده بود: «مجموع قواعد و اصول قانونی که رابطه بین دولت و محکوم را از زمان شروع اجرای مجازات یا تاریخ بازداشت تعیین می کنند...». در واقع، حقوق زندانی ناشی از محکومیت به اقامت در زندان است و این حقوق از امتیازات اعطایی اداره زندان محسوب نمی شود، بلکه مسائلی هم چون ملاقات از حقوق زندانی است (دانش ۱۳۸۸: ۵۶).

در دوران مشروطه، ایرانیان به منظور تدوین آیین نامه زندان تجربه ای نداشتند و از این جهت، لزوم استخدام مستشاران خارجی برای اصلاح نظمیه و زندان به تأیید دولت وقت رسید. وستدهل در سال ۱۲۹۲ش در دومین دوره ریاست الوزرای مستوفی الممالک به ایران

وارد شد. او پیش‌تر در استکهلم کفیل یکی از کلانتری‌های شهر بود و پس از ورود به تهران، به مدت سه ماه از هرگونه دخالتی در امور نظمیه خودداری کرد و صرفاً به گردش و مطالعه دربارهٔ موقعیت و وضع شهر پرداخت و پس از مدتی نظمیه تحت نظر سوئدی‌ها قرار گرفت (سپهر ۱۳۳۶: ۱۱۵-۱۱۶).

یکی از اقدامات مهم مستشاران سوئدی تدوین و تصویب آیین‌نامه‌های^۱ مختلف بود که از آیین‌نامه‌های اروپایی اقتباس شده بود. از آن جمله وستداهل آیین‌نامهٔ زندانی تدوین کرد و در سال ۱۲۹۸ش به تصویب دولت رساند. در این نظام‌نامه برای نخستین بار حق ملاقات زندانیان درج شده بود.^۲ مطابق آیین‌نامهٔ وستداهل ملاقات هفته‌ای یک روز در اتاق مخصوصی در حضور یک نگهبان صورت می‌گرفت. نکتهٔ دیگر در خصوص ملاقات‌ها این بود که می‌بایست افراد در ملاقات‌ها به زبانی تکلم کنند که نگهبان به آن زبان آشنا باشد (مختاری ۱۳۲۹: ۳۶). علی دشتی، که بعد از کودتای ۱۲۹۹ به زندان افتاد، از قانون ملاقات در زندان سخن گفته است. به نوشتهٔ او، قانون مذکور بر روی دیوار نصب شده بود: «آقایانی که به ملاقات محبوسین پلتیکی می‌آیند، حق ندارند غیر از صحبت‌های عادی نمایند، صحبت‌های سیاسی و ذکر اخبار خارج به کلی قدغن و در صورت مخالفت، مرتکب تنبیه می‌شود» (دشتی ۱۳۸۰: ۷۷). به قانون یادشده که بر دیوار نصب شده بود، در اصطلاح «ارد» می‌گفتند (سیفی فمی ۱۳۶۷: ۱۰۸).

اگرچه در نظام‌نامهٔ زندان دورهٔ سوئدی‌ها قانون ملاقات به اختصار بیان شده بود، در آیین‌نامه‌های زندان دورهٔ پهلوی قوانین مرتبط با ملاقات به تفصیل ذکر شده بود. در نظام‌نامهٔ ۱۳۰۷ش (دومین آیین‌نامهٔ زندان در حقوق کیفری ایران) قوانین مربوط به ملاقات در پنج ماده گنجانده شده بود. مطابق مادهٔ شانزدهم اجازهٔ ملاقات با زندانیان، باید از طرف رئیس زندان صادر می‌شد و مشارالیه می‌توانست در صورت مقتضی از دادن اجازهٔ ملاقات امتناع ورزد. زوج یا زوجه، والدین، و فرزندان زندانی حق داشتند که حداقل ماهی یک مرتبه با زندانی ملاقات کنند. در مادهٔ هفدهم آمده بود که اجازه‌نامهٔ ملاقات با مظنونان یا متهمان باید از بازپرسی که مأمور تحقیقات است صادر شود، ولی در مورد جرایم مشهود مظنونان یا متهمانی که بازپرس قرار مجرمیت آن‌ها را صادر کرده است، اجازه‌نامهٔ مزبور باید برحسب مورد از طرف مدعی‌العموم بدایت یا استیناف صادر شود. در مادهٔ هجدهم ذکر شده بود که بازپرس یا مدعی‌العموم می‌تواند در صورتی که ملاقات با مظنونان یا متهمان را مخالف با حسن جریان تحقیقات یا محاکمه بداند، از دادن اجازهٔ ملاقات امتناع کند، ولی

به مجرد شروع محاکمه وکیل مدافع شخص توقیف شده حق خواهد داشت که با او ملاقات کند و هیچ یک از مأموران، اعم از اداری یا قضایی، نمی توانند به هیچ وجه از این ملاقات جلوگیری کنند. در ماده نوزدهم، انجام هر ملاقات منوط به حضور زندان بان شده بود. گفت و گو در ملاقات ها باید با صدای بلند و بدون نجوا به عمل آید و اگر زندان بان تصور کند که موضوع صحبت ممکن است به نظم زندان یا به جریان تحقیقات خللی وارد آورد، می بایست فوراً به ملاقات خاتمه دهد (روزنامه اطلاعات ۱۳۰۸: ۳).

در آیین نامه مصوب سال ۱۳۰۷ ش به متهم و محکوم حق ملاقات اعطا شده بود (همان)، اما در عمل ملاقات ها صرفاً در مورد محکومان قابل اجرا بود (شمس ۱۳۸۴: ۱۱۲). براساس آیین نامه ۱۳۴۷ زوجه، ابوین، قیم یا سرپرست قانونی، و اولاد حق ملاقات با زندانیان را داشتند. ملاقات وکلای دادگستری با موکلان خود، در مرحله بازپرسی، منوط به اجازه کتبی بازپرس مربوطه و پس از صدور قرار مجرمیت با اجازه کتبی دادستان بود و در صورتی که زندانی فاقد بستگان یادشده بود، با نظر رئیس زندان با یکی از دوستان صالح زندانی یا یکی از اعضای انجمن خیریه که ملاقات او در بهبود وضع روحی زندانی مؤثر باشد، اجازه ملاقات داده می شد. اجازه ملاقات با مظنونان و متهمان ممنوع الملاقات منوط به ارائه اجازه کتبی از طرف بازپرس یا دادستان مربوط بود. ملاقات با متهمان سیاسی نیز در محل خصوصی با موافقت کتبی بازپرس یا دادستان مربوطه به عمل می آمد. مطابق این آیین نامه برنامه ملاقات عمومی در هر زندان حداکثر سه روز در هفته بود و ساعات آن می بایست با تناسب فصول و نیازمندی های هر محل تعیین می شد و مدت ملاقات بیست دقیقه بود (گودرزی بروجردی و مقدادی ۱۳۸۳: ۲۰۴).

در آیین نامه سال ۱۳۵۴ ش، برنامه ملاقات عمومی دوهفته یکبار و مدت آن بیست دقیقه تعیین شد. در ماده ۲۰۴ آیین نامه سال ۱۳۵۴ تصریح شده بود که محل ملاقات عمومی زندانیان در زندان ها باید به دیوار نشکن، وسایل تلفن، و لوازم ضد صوت مجهز باشد. علاوه بر این، ملاقات با متهمان سیاسی در محل مخصوصی با موافقت کتبی اداره اطلاعات شهربانی یا بازرسی یا دادستان مربوطه به عمل می آمد (همان).

مسئله دوربودن محل زندانی از محل سکونت خانواده زندانی باعث اشکالاتی در انجام ملاقات ها نظیر مشکلات رفت و آمد، هزینه، و... می شد و از این جهت در آیین نامه سال ۱۳۵۴ ش مقرر شده بود که در صورت تقاضای زندانی یا خانواده او یا اظهار نظر رئیس اداره زندان ها و موافقت شورای طبقه بندی، انتقال زندانی به محلی در نزدیکی خانه او انجام پذیرد.

ملاقات در حکم یک حق آنقدر واجد اهمیت بود که در قوانین جدید از آن به مثابه یک مجازات هم بهره‌برداری می‌شد. یکی از مجازات‌های قانونی در دوره جدید محرومیت از ملاقات تا دو ماه بود (هومن ۱۳۳۹: ۲۴۵).

۳. تعارضات میان امر دوزور و دفاکتو

حق ملاقات زندانی، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، با پدیداری مشروطیت در ایران به زندانیان اعطا شد و اگرچه محتمل است که پیش از آن هم برخی زندانیان ملاقات‌هایی با کسان خود می‌داشتند، چنان‌که فی‌المثل پدر جودت، که بیش از یک سال در انبار^۳ تهران زندانی بود، به توصیه ناظم‌السلطنه که با پدر جودت روابط دوستانه داشت، می‌توانست در انبار با خانواده خود ملاقات داشته باشد (جودت ۲۵۳۶: ۶)، اما این یک حق برای زندانیان به‌شمار نمی‌آمد و زندانی هم نمی‌توانست به اجازه‌ن دادن مسئولان زندان برای ملاقات اعتراضی داشته باشد. بعد از مشروطه، چنان‌که گفته شد، در آیین‌نامه حق ملاقات زندانیان گنجانده شد و به دنبال آن به تدریج در ساختار زندان‌ها اتاق یا اتاق‌هایی فراهم آمد تا زندانی در آن با اعضای خانواده و بستگان خود ملاقات کند. در زندانی که سوئدی‌ها در تهران ساختند اتاق ملاقات وجود نداشت، لیکن ملاقات‌ها در گوشه‌ای از زندان انجام می‌شد (مرادی نیا ۱۳۸۴: ۱۶۲)^۴. در اواخر دوره قاجار هفته‌ای دو روز، یعنی یک‌شنبه‌ها و چهارشنبه‌ها، به ملاقات زندانیان اختصاص یافته بود. در روزهای ملاقات جمعیت زیادی پشت در زندان جمع می‌شدند. یک نگهبان در دفتر ویژه‌ای نام افراد را ثبت می‌کرد و مراقب بود که افراد در ملاقات مطابق قانون رفتار کنند. در دوره رضاشاه نیز هفته‌ای دو روز برای ملاقات زندانیان در نظر گرفته شده بود؛ یک روز برای زندانیان غیرسیاسی و یک روز برای زندانیان سیاسی. در دوران پهلوی دوم نیز زندانیان به‌طور معمول هفته‌ای دو مرتبه حق ملاقات داشتند و مدت هر ملاقات پانزده دقیقه بود (هومن ۱۳۳۹: ۱۵۹).

محل ملاقات زندانیان سیاسی در زندان موقت اتاق بزرگی بود که در اطراف اتاق نیمکت‌های چوبی گذاشته بودند. جارچی‌ها^۵ زندانی را صدا می‌زدند. در دوران بعد از کودتای ۲۸ مرداد سروان جوانشیر، رئیس زندان موقت، پشت میزی جلوی اتاقش داخل حیاط فلکه مستقر می‌شد و برای هر زندانی که ملاقاتی داشت، کارت خروج صادر می‌کرد. زندانی با آن کارت از بند خود خارج می‌شد و به اتاق ملاقات می‌آمد. از سوی دیگر، ملاقاتی هم کارتی می‌گرفت و وارد اتاق ملاقات می‌شد (کی مراد ۱۳۷۴: ۴۰۲). به‌طور کلی دریافت

برگه ملاقات چندان آسان نبود و خانواده‌های زندانیان می‌بایست مدتی نوبت می‌گرفتند تا وقت به آن‌ها می‌رسید و اجازه ملاقات کسب می‌کردند (خطیبی ۱۳۳۳: ۵۰).

معمولاً نزدیکان و منسوبان محکوم تقاضای ملاقات را به مدیر زندان می‌دادند و در صورتی که محکوم به جنحه و جنایت متهم می‌بود، از دادگاه کارت مخصوصی برای ملاقات زندانی دریافت می‌داشتند و این کارت در کلیه زندان‌ها معتبر به‌شمار می‌آمد (هومن ۱۳۳۹: ۱۵۸). برطبق یادداشت‌های خطیبی، بعد از کودتای ۲۸ مرداد هفته‌ای دو روز، یعنی یک‌شنبه‌ها و پنج‌شنبه‌ها، زندانیان بازداشتگاه فرمان‌داری نظامی حق ملاقات داشتند و می‌توانستند یک ربع با خانواده و خویشان خود ملاقات کنند. البته برای همه این‌قدر سخت‌گیری وجود نداشت و برخی زندانیان هر روز ملاقاتی داشتند و ساعت ملاقاتشان هم محدود نبود (خطیبی ۱۳۳۳: ۵۰). به‌عنوان شاهد، سرتیپ مهندس تقی ریاحی، رئیس سابق ستاد ارتش و استاد دانشکده فنی دانشگاه تهران، بعد از کودتا در زندان قصر محبوس بود. ریاحی هر هفته دوستان خود را در زندان قصر ملاقات می‌کرد (مجله خواندنی‌ها ۱۳۳۳: ۱۱).

ملاقات باعث شده بود تا در ساختار زندان نیز تغییراتی صورت پذیرد. به‌عنوان نمونه زندان شماره سه قصر با دو در مشخص می‌شد که یک در برای ملاقاتی‌ها بود و به اتاق ملاقات راه داشت و در دیگر برای ورود و خروج به زندان بود (عمویی ۱۳۷۷: ۱۳۲). با حبس دختران و زنان برای این طیف هم در زندان اتاق ملاقات ایجاد شد. راضیه ابراهیم‌زاده به ملاقاتش در زندان زنان تهران در اواخر دهه ۱۳۲۰ اشاره می‌کند (ابراهیم‌زاده ۱۳۸۱: ۲۴۸). اتاق ملاقات کوچک «ندامتگاه نسوان» زندان قصر با یک توری به دو قسمت تقسیم شده بود (حاجبی تبریزی ۱۳۸۴: ۶۱) و زندانیان در شرایط عادی با خویشان خود ملاقاتی داشتند (ابراهیم‌زاده ۱۳۸۱: ۲۴۸؛ حدیدیچی ۱۳۸۶: ۹۰-۹۱).

ولی باید عنایت داشت که بسیاری از مواقع شاهد تقدم و اولویت قدرت یا وضع دوفاکتو بر حقوق و وضع دوزور هستیم. درواقع، اعطای حق ملاقات تابع وضع سیاسی روز و شرایط حاکم بر کشور بود. در دهه ۱۳۲۰ و قبل از کودتا بازداشت متهمان کوتاه‌مدت بود و متهمان حتی از نوع توده‌ای‌شان زود آزاد می‌شدند (جزنی بی‌تا: ۱۷). در این شرایط وضع ملاقات‌ها هم مناسب بود. به‌نوشته کیانوری، وی و هم‌پندان توده‌ای‌اش از نظر ملاقات کاملاً آزاد بودند؛ یعنی نه فقط بستگان، بلکه دوستان و آشنایان نیز می‌توانستند به ملاقاتشان بیایند (کیانوری ۱۳۷۲: ۱۹۳-۱۹۴)، ولی در برابر آزادی‌های نسبی دهه ۱۳۲۰ در

سال‌های پس از کودتا، به‌ویژه دهه ۱۳۵۰، وضع کاملاً متفاوت بود. با فراگیر شدن استبداد در دهه ۱۳۵۰ ملاقات بسیاری از زندانیان در عمل به حالت تعلیق درآمد (اربابی ۱۳۷۷: ۴۲). در اوین هنگامی که ملاقاتی به زندانیان داده می‌شد، گذشت از دوره خطر برای زندانی را نشان می‌داد (یادداشت‌هایی از زندان اوین بی تا: ۲۲).

برخی افراد ذی‌نفوذ در هیئت‌حاکمه ملاقات‌های خاص خود را داشتند، به‌طوری‌که به‌عنوان نمونه وضع فریدون مهدوی، فرزند امین‌الضرب^۶ و از خویشان اشرف پهلوی، در سال ۱۳۴۱ در قیاس با دیگر زندانیان قابل توجه بود، درحالی‌که دیگر زندانیان هفته‌ای یک روز ملاقات داشتند، مهدوی هر روز ملاقات داشت (پارسا ۱۳۸۸: ۱۶۷).

درحالی‌که برخی یقه‌سپیدها هم چون مهدوی مورد اشاره به‌شکل فراقانونی از ملاقات‌های پی‌درپی و طولانی‌مدت بهره‌مند می‌شدند، زندانیانی بودند که به‌مدت طولانی امکان استفاده از حق ملاقات را نداشتند. در این‌جا، البته باید شرایط خانواده‌های زندانیان را در نظر گرفت. باید توجه داشت که «ملاقات» یکی از طرق ارتباط زندانی با دنیای خارج است و در این تعامل و تعاطی، باید نقش خانواده زندانیان را تحلیل کرد. یکی از مسائل اساسی در این ارتباط فاصله زندان با محل سکونت خانواده زندانی بود. به‌عنوان نمونه زندان برازجان یکی از دورافتاده‌ترین زندان‌هایی بود که گروه‌های مختلف اعم از توده‌ای، ملی و مذهبی، و کردهای حزب دموکرات در آن‌جا محبوس بودند و امکان رفت‌وآمد برای بسیاری از خانواده‌ها عملاً وجود نداشت. در زندان برازجان، ملاقات حضوری زندانیان سیاسی اغلب هر شش ماه یک‌بار بود، آن‌هم اول پاییز و اول فروردین (قهرمانیان ۱۳۷۸: ۱۳۱-۱۳۲). خانواده‌های زندانیان می‌بایست از راه‌های دور برای ملاقات بستگان خود حرکت می‌کردند که با وسایل و امکانات آن روزگار برای هرکسی مقدور و میسر نبود. برخی از خانواده‌های زندانیان سیاسی به خانه افراد محلی یا به مسافرخانه برازجان می‌رفتند تا زمان ملاقاتشان دررسد (یا حسینی ۱۳۸۸: ۱۳۵). کی‌منش و بلوریان^۷ هم وضع ملاقات زندان برازجان را بر نهجی که ذکر شد تصدیق کرده‌اند. به‌نوشته کی‌منش، در برازجان به‌ندرت ملاقاتی وجود داشت، زیرا هرکس که می‌خواست از تهران یا هر شهر دیگری به ملاقات برود، باید حداقل ده روز برای این کار وقت صرف می‌کرد (کی‌منش ۲۰۱۹: ۱۲۵). غنی بلوریان هم در این باره اظهار می‌دارد: «فقط سالی یک بار حق ملاقات با اعضای خانواده را داشتیم که بیش‌تر فارس‌ها از این فرصت استفاده می‌کردند» (بلوریان ۱۳۸۴: ۳۱۱).

در چنین شرایطی، ارسال نامه سهل‌الوصول‌ترین جای‌گزینه ملاقات تلقی می‌شد. سرگرد جعفر وکیلی، از اعضای سازمان افسری حزب توده که به‌دنبال اعترافات عباسی بازداشت شد،^۸ در یکی از نامه‌های زندان خود، مورخ ۱۳۳۳/۸/۱۰، خطاب به همسرش می‌نویسد: «اگر دیدی اجازه ملاقات نمی‌دهند، نامه بفرست» (وکیلی ۱۳۵۹: ۱۵).

بدین ترتیب، روشن است که افراد ذی‌نفوذ می‌توانستند به‌شکل فراقانونی بیش از حق خود از ملاقات‌های مکرر سود ببرند و درمقابل، زندانیان مغضوب از حقوق قانونی خود گاه‌وبی‌گاه محروم می‌شدند.

۴. تکنولوژی و سلطه توتالیتر در اتاق ملاقات

آنچه پیش‌ازین درمورد ملاقات زندانیان در دوره قاجار و اوایل دوران رضاشاه گفته شد، بیان‌گر آن است که ملاقات زندانی با افراد خانواده و بستگان خود آشکارا، به‌صورت حضوری، و در فضای غیربسته صورت می‌گرفت و طرفین می‌توانستند یک‌دیگر را بدون هیچ مانعی ملاقات کنند، اما به‌نظر می‌رسد که با حضور نمایندگان دولت ایران در کنگره‌های بین‌المللی پلیس و زندان تکنیک‌های نوین فراگرفته و در نهادهای مرتبط به‌کار گرفته شد. درمیان زندانیان سیاسی دوره رضاشاه، تنها پیشه‌وری و طبری هوشمندانه به تغییر تکنیک و شرایط اتاق ملاقات اشاره کرده‌اند (خزائی ۱۳۹۸: ۱۷۶-۱۷۷). ایجاد شبکه‌ها و نرده‌های آهنین در اتاق ملاقات نشانی از گفتمان سلطه نوین بود. در دوران بعد از کودتا، اغلب زندان‌ها^۹ با تورهای سیمی تجهیز شده و اتاق‌های ملاقات با ساختار جدید میله‌ای و تور سیمی ساخته شده بودند. ملاقات‌ها از پشت میله‌ها و مأموران هم بر گفت‌وگوها نظارت داشتند (سال‌نامه توده ۱۳۴۹: ۱۶۹). نصب تور^{۱۰} میان زندانی و ملاقات‌کننده جدایی می‌افکند و باعث می‌شد چهره طرفین به‌خوبی معلوم نباشد (غیاثیان ۱۳۸۸: ۵۸؛ کمالوند ۱۳۸۰: ۲۵۸).

خطیبی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد به زندان افتاد، اتاق ملاقات زندان موقت شهربانی^{۱۱} را این‌گونه توصیف می‌کند: «اتاق ملاقات زندان موقت شهربانی عبارت است از یک محوطه نسبتاً وسیع که وسط آن از دو طرف میله‌های آهنین قرار دارد، به‌طوری‌که فاصله بین این دو نرده درحدود دو متر می‌شود...» (خطیبی ۱۳۳۳: ۳۳).

در دوره پایانی حکومت پهلوی هم ملاقات‌ها با واسطه و از پشت نرده یا پنجره‌های فلزی صورت می‌گرفت. به این ترتیب که زندانی این سوی نرده می‌ایستاد و خانواده‌اش

حدود یک متر آن طرف نرده به گفت‌وگو می‌پرداختند (خاطرات محمدحسن خاکساران ۱۳۸۳: ۲۲۲-۲۲۳). اتاق ملاقات با دو ردیف میله آهنی به دو بخش کاملاً مجزا تقسیم می‌شد. زندانیان پشت میله‌های داخلی و خانواده‌ها پشت میله‌های خارجی می‌ایستادند و مأمور کنترل بین دو ردیف قدم می‌زد و بر ملاقات‌ها نظارت می‌کرد. آنچه ملاقات‌کنندگان برای زندانیان می‌آوردند، به انبار تحویل داده می‌شد تا بعدها پس از بازرسی به وی تحویل داده شود (بقیعی ۱۳۷۳: ۴۴۴).

قهرمانلو اتاق ملاقات زندان قصر در سال ۱۳۵۴ را این‌گونه توصیف کرده است:

اتاق ملاقات یک سالن دراز بود که درمیان آن، دو ردیف نرده آهنی که تا سقف می‌رفت از یک سر سالن به ته آن نصب کرده بودند. فاصله میان دو دیوار نرده‌ای یک‌متری بود. ملاقاتی‌ها در آن سوی نرده‌ها و ما زندانی‌ها در این سوی نرده‌ها می‌ایستادیم و از فاصله یک‌متری با صدای بلند با یک‌دیگر حرف می‌زدیم. همیشه چند نفر پاس‌بان درمیان این دو دیوار قدم می‌زدند و گفت‌وگوی ما را کنترل می‌کردند. آن‌ها هم‌چنین مواظب بودند تا چیزی میان ملاقاتی و زندانی بده‌بستان نشود. می‌بایست داد می‌کشیدی تا آن طرف صدای تو را به‌زحمت بشنود (قهرمانلو ۲۰۱۵: ۲۲۸).

روزهای ملاقات معمولاً هر مرتبه هفت یا هشت نفر به اتاق ملاقات می‌رفتند و زمانی که برمی‌گشتند، دسته دیگری به اتاق مذکور راه‌نمایی می‌شدند تا این‌که تمام ملاقاتی‌ها خاتمه می‌یافتند (کمالوند ۱۳۸۰: ۲۴۱). برخی مواقع هم‌زمان تعداد زیادی در اتاق ملاقات دیدار و گفت‌وگو می‌کردند و چون فاصله این افراد در اتاق ملاقات زیاد بود و صدایشان به‌گوش هم‌دیگر نمی‌رسید، ناگزیر می‌شدند فریاد بزنند (دعاگو ۱۳۸۲: ۱۵۴). به‌نوشته خطیبی، «در روزهای ملاقات زندانیان پشت نرده آن طرفی می‌آیند و ملاقات‌کنندگان پشت نرده این طرفی و میان دو نرده هم دو نفر پاس‌بان قدم می‌زنند. معمولاً چون ملاقات‌ها به‌طور دسته‌جمعی صورت می‌گیرد و در هر مرحله بیش از صد تن زندانی و دویست نفر ملاقات‌کننده به اتاق ملاقات هجوم می‌آورند، لذا از شدت داد و فریاد و قال و مقال صدا به صدا نمی‌رسد» (خطیبی ۱۳۳۳: ۳۴). بنابراین، با ایجاد موانعی هم‌چون تور سیمی و میله‌های آهنی میان ملاقات‌کننده و ملاقات‌شوندگان فاصله ایجاد شد، به‌طوری‌که دیگر امکان تماس بدنی میان طرفین وجود نداشت. از این‌رو، یکی از خواسته‌های خانواده‌ها در اعتصابات و اعتراضات خود همین عامل «فاصله» بود، چنان‌که در اوایل فروردین‌ماه ۱۳۵۷ جمع کثیری از مادران زندانیان سیاسی

به دفتر نخست‌وزیری و وزارت دادگستری رفتند و خواهان رسیدگی به وضع کسان خود شدند. جالب این‌که یکی از خواست‌های مادران که در اسناد محرمانه دولتی منعکس شده است «کم کردن فاصله بین ملاقات‌کنندگان و ملاقات‌شوندگان» اعلام شده است (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۱-۳۱-۰-۱۴۴م؛ همان، سند ۳۳۱-۲۶۴-۷م).

با وجود تمام کنترل‌ها در اتاق ملاقات، بازهم زندانیان اطلاعات مهمی را از طریق دیدار با خانواده‌هایشان به خارج از زندان ارسال می‌کردند. زندانیان از طریق ملاقات گزارش روی داده‌های زندان و آنچه در دادگاه‌های در بسته رژیم می‌گذشت، به بیرون از زندان انتقال می‌دادند (نجات حسینی ۱۳۸۲: ۳۴۱). در واقع، خانواده‌ها ضمن ملاقات با روحیه دادن به زندانیان نقل و انتقال اخبار و مدارک از زندان به بیرون را نیز انجام می‌دادند (حق شناس ۱۳۹۸: ۳۱۶-۳۱۷). به‌عنوان شاهد، خلیل ملکی در هنگام ملاقات نامه‌ای به صورتی پنهانی به جلال آل‌احمد داده بود تا او به آلبرت کارتی، دبیر بین‌الملل سوسیالیست‌ها، در لندن بفرستد. این نامه را جلال آل‌احمد از زندان هنگام ملاقات گرفته و به اروپا ارسال کرده بود (ملکی ۱۳۸۱: ۳۴۳).

این‌که چرا نظام زندان سعی در کنترل فضای اتاق ملاقات داشت، به فرار زندانیان، دادن وسایل، مدارک، و اطلاعات درون زندان به بیرون از زندان هم مربوط می‌شد. ملاقات یکی از مواقعی بود که زندانیان برای فرار از زندان برنامه‌ریزی می‌کردند. به‌نوشته کی‌مرام، در حین ملاقات سیاسی‌ها یکی از زندانیان در زندان موقت فرار کرد و این امر موجب اعلام وضع فوق‌العاده شد. سروان جوانشیر به‌هم‌راه عده‌ای پاس‌بان به حیاط فلکه آمده بودند و سه مرتبه زندانیان را سرشماری کردند. همان شب معلوم شد که یکی از اعضای کمیته شهرستان سازمان جوانان حزب توده با استفاده از یک برگه ملاقات جعلی، که ملاقات‌کننده‌ای در سالن ملاقات به او تحویل داده بود، با کمی تغییر قیافه از زندان گریخته بود. سروان جوانشیر، رئیس زندان، به مرخصی اجباری فرستاده شد و چند تن از مأموران زندان به دلیل اهمال در انجام وظایف خود بازداشت شدند. افسر نگهبان جدیدی که موقتاً آمد، تمام محدودیت‌های ممکن را برای زندانیان برقرار کرد. بدین ترتیب بود که سالن ویژه ملاقات زندانیان سیاسی بسته شد. سیاسی‌ها مجبور شدند در محل نامساعد زندانیان عادی ملاقات‌های خود را انجام دهند. تمام کتب و وسایل شطرنج جمع‌آوری شد و انبار کمون تعطیل شد. در ضمن، در بندها قفل شد و هیچ زندانی‌ای حق نداشت بدون اجازه از بند خودش خارج شود. چند روز بعد بسیاری از زندانیان را، که اقامتشان

طولانی شده بود و محاکمه‌ای در پیش نداشتند، به زندان‌های دیگر انتقال دادند. گروهی از زندانیان به خارک، گروهی به زندان‌های شهرستان‌ها، و عده‌ای هم به زندان قصر تبعید شدند (کی مرام ۱۳۷۴: ۴۴۰-۴۴۲).

اشرف دهقانی^{۱۲} نیز به فرار خود در ۵ فروردین ۱۳۵۲ از زندان زنان قصر اشاره کرده است. این فرار در هنگام ملاقات حضوری با استفاده از پوشش چادر اتفاق افتاد (دهقانی بی تا: ۲۶۷-۲۶۹؛ بازرگان ۱۳۷۲: ۹).

با وجود این، همین ملاقات کنترل شده و مسخ شده برای زندانیانی که در گوشه زندان دوران محکومیت را می‌گذراندند ارزش مند بود. به نوشته خطیبی، لطفی، وزیر دادگستری مصدق، در زندان زرهی روزهای دوشنبه و جمعه ملاقات داشت. هروقت که فرزندان لطفی در زندان به ملاقاتش می‌آمدند، این پیرمرد تمام غصه‌هایش را فراموش می‌کرد و آن روز تا غروب خوش حال بود (خطیبی ۱۳۳۳: ۸۰).

اما تغییر بنیادین تکنولوژیک در فضای اتاق ملاقات در دهه ۱۳۵۰ش در زندان اوین ایجاد شد. در دهه ۱۳۵۰، سیستم پیشرفته‌ای در زندان مورد اشاره برای ملاقات در نظر گرفته شد. به این ترتیب که زندانی در اتاقی شبیه کیوسک تلفن قرار می‌گرفت و از طریق گوشی تلفنی که داخل اتاق بود با ملاقات‌کننده که در اتاق روبه‌رو نشسته بود و او هم گوشی در اختیار داشت، گفت‌وگو می‌کرد. البته بازهم امکان گفت‌وگوی مستقیم و بلاواسطه به دلیل وجود شیشه ضخیم و دوجداره که دو اتاق را از هم جدا می‌کرد وجود نداشت (خاطرات محمدحسن خاکساران ۱۳۸۳: ۲۲۳؛ مظاهری ۱۳۸۵: ۲۶۸؛ دعاگو ۱۳۸۲: ۱۸۰-۱۸۱). در زندان اوین، تمامی گفت‌وگوهای اتاق ملاقات ضبط می‌شد تا اگر حرف مشکوکی بین طرفین ردوبدل شد، ساواک از آن مطلع شود و قضیه را پی‌گیری کند (دعاگو ۱۳۸۲: ۱۸۱). بدین ترتیب، سازمان زندان با استفاده از تکنولوژی‌های نوین تمام جزئیات رفتارهای اتاق ملاقات را زیر نظر گرفت، به طوری که پیش‌تر در ملاقات‌های حضوری گاه‌به‌گاه در مواقع ملاقات فرار زندانیان دست می‌داد، ولی با ایجاد کیوسک، شیشه‌های دوجداره، و ضبط گفت‌وگوهای زندان عملاً بحث فرار زندانیان و خارج کردن اطلاعات و مدارک از زندان به خارج از آن منتفی شد. بدین ترتیب، با برقراری ارتباط تلفنی در اتاق ملاقات تمامی گفت‌وگوهای زندانیان و بستگانشان ضبط می‌شد و از این جهت تکنولوژی به‌مدد زندان آمده بود تا اسارت زندانیان دوچندان احساس شود.

۵. نتیجه‌گیری

با تدوین حقوق کیفری نوین در دوران مشروطیت، زندانیان هم واجد حقوقی انکارناپذیر شدند. یکی از حقوق زندانیان حق ملاقات با خانواده و بستگان بود و به همین جهت، در ساختار زندان مدرن اتاق ملاقات به وجود آمد. مسئله مقاله کنونی این بود که آیا اعطای حق ملاقات به زندانیان را باید امری رو به جلو و نماد ترقی در عرصه حقوقی تصور کرد یا این که برخلاف دیدگاه‌های مدرن باید ملاقات در زندان مدرن را زنجیر اسارتی دیگر تعبیر کرد؟ بسیاری از تحقیقات در خصوص ملاقات با پیش فرض قرارداد دیدگاه‌های آرمانی این کنش را مترقی و در ساحت حقوق انسانی زندانیان تعبیر و تفسیر کرده‌اند، ولی مقاله حاضر، ضمن تردید در چنین دیدگاه‌هایی، وضع اتاق ملاقات را در پیوند با رویه‌های نظارتی قدرت بازنمایی کرده است. در واقع، با تدوین حقوق کیفری نوین و اعطای حق ملاقات در ظاهر پیشرفتی در شرایط زندان و زندانیان دیده می‌شود، ولی اگر دقیق و عمیق‌تر به قضایا نظر بیفکنیم، زنجیرهای نوین در پوشش ملاقات خود را بر ما ظاهر می‌سازند. این زنجیرها همان‌هایی هستند که به تدریج در ملاقات و اتاق ملاقات شکل می‌گیرند. قبلاً ملاقات‌ها در فضایی کاملاً آزاد و به دور از هرگونه کنترل انجام می‌شد و محلی خاص به نام اتاق ملاقات ساخته نشده بود، ولی ابتدا اتاق ملاقات ساخته شد و از دوران پهلوی با به‌کارگیری روش‌های نوین و با استمداد از تکنولوژی رویه‌ای نوین آغاز شد. تکنولوژی، همان‌طور که متفکران بزرگی چون هایدگر و مارکوزه نیز بر آن انگشت گذارده‌اند، برای اسارت و کنترل انسان مدرن نقشی کلیدی ایفا می‌کند. تغییرات در فضای کالبدی اتاق ملاقات معطوف به کنترل هرچه بیش‌تر افراد در این فضا بوده است. ابتدا، تور سیمی بین افراد ملاقات‌کننده و زندانیان کشیده شد و یک پاس‌بان در آن بین بر گفت‌وگوها نظارت داشت. بعدها با ساخت زندان اوین در آغاز دهه ۱۳۵۰ فضای اتاق ملاقات بیش از پیش تحت کنترل قرار گرفت، به طوری که در اوین شیشه نشکن و ضد صوت در اتاق ملاقات ایجاد شده بود و گفت‌وگوهایی که از طریق تلفن انجام می‌پذیرفت ضبط می‌شد و شاید در این شرایط زندانیان حتی نمی‌توانستند مسائل خصوصی زندگی خود را با خانواده‌شان در میان بگذارند. گو این‌که فناوری به کمک زندان آمده بود تا حتی تعیین کند که در ملاقات‌ها زندانیان چه باید بر زبان بیاورند و چه بر زبان جاری نسازند. لذا فضای کنترل‌شده‌ای سامان یافت که به واسطه آن ویژگی آزادمنشانه این کنش از میان رفت.

بنابراین، اگر مثلاً در دوره قبل از مشروطه برخی زندانیان براساس روابط شخصی یا رشوه دادن ملاقاتی می‌داشتند، آن ملاقات آزادانه، حضوری، و بدون هیچ‌گونه مانع و رادعی صورت می‌گرفت، ولی در دوره جدید، ملاقات که به‌مثابه حق انکارناپذیر زندانیان تعریف شده بود، با اشکال متنوعی از کنترل و اسارت زندانیان و خانواده‌هایشان همراه بود. بشر گذشته نمی‌توانست افراد جامعه را به‌طور کامل کنترل کند. این انسان مدرن بود که حتی به صرافت افتاد تا افکار و اذهان را هم تحت کنترل خود درآورد. ملاقات هم به‌عنوان حق زندانی به‌تدریج تحت کنترل شدید درآمد، به‌طوری‌که با انفکاک افراد در دو سوی اتاق کیوسک‌مانند با شیشه‌های دوجداره امکان ارتباط حضوری از بین رفت و گفت‌وگوهای اتاق ملاقات شنود می‌شد. بدین ترتیب، ملاقات زندانیان در فضای اتاق ملاقات به شیوه‌ای توتالیتری تحت کنتری شدید زندان درآمد و در این ساحت، کنش مذکور به نوعی مسخ‌شدگی مبدل شد. لذا محاصره سیاسی بدن از طریق استراتژی‌های انضباطی تکمیل می‌شود.

هو العزیز

ملت مسلمان ایران از ادامه توقیف حضرت سید مجتبی
نواب صفوی بشدت خشمناک است

شبها ، روزها ، هفته ها ، ماهها از بازداشت ظالمانه حضرت نواب
صفوی میگذرد شخص ایشان راضی نبودند که مسلمانان غیور برای رفع این
محدودیت اقدامی کنند ما فرزندان اسلام و ایران پیروی از نیاتشان برای
حفظ مصالح عمومی بهیچ اقدامی نپرداخته ناظر کمال رذالت و بسی شرمی
هیئت حاکمه در این خصوص بودیم ، چه بس بی حیا بودند و از نجات ما
شرم نکردند .

عصر شنبه امروز (۳۱/۱۰/۴۰) که مسلمانان غیور بزندان قصر برای
دیدارشان رفته بودند عده ای از ملاقات کنندگان محترم در پایان ملاقات به
عنوان اعتراض بادامه این بازداشت خائنانه که جنایت بزرگی بساحت مقدس
اسلام و ملت مسلمان ایران است در خدمت حضرت نواب صفوی بماندند و به
دولت رسماً اعلام نمودند که تا آخرین دقیقه ای که بازداشت غیر قانونی
حضرت نواب صفوی ادامه دارد بنمایندگی مسلمانان حقیقی ایران در زندان
متوقف خواهند بود ، اینک ، اینک ، هیئت حاکمه خواب آلود آنی بخود
آید و با کمال احترام و عذر خواهی رفع محدودیت از رهبر معظم فدائیان
اسلام را بملت مسلمان ایران اعلام کند و آتش خشم عمومی را فرو نشاند
که تأخیر هر دقیقه ای هزاران پشیمانی واسف بیار آرد

بیاری خدای توانا فدائیان اسلام

۶-۲۶-۲۵۶ الف



خبرنامه

تاریخ
شماره
پرست

بعضی پرسید

در روز یکشنبه ۲۵۳۷/۱/۶ از سازمان اطلاعات و امنیت کشور اطلاع داده شد و دیگر از نگرانان که فرزندان
بایستگان آنها به اتهام سیاسی در زندان قهر هستند بدرب زندان مراجعه و چون نتیجه ای نگرفتند تصمیم گرفتند
بعد قسمت تقسیم شوند ، عدای به نخست وزیری و عدای به وزارت دادگستری مراجعه نمایند . مراتب به عرض جناب آقای
کاشفی وزیر محترم مشاور و معاون اجرایی نخست وزیر رسید دستور فرمودند آنها در دفتر جناب با شرکت اینجناب پذیرفته
شوند که پس از مدتی کوتاه عدای به نخست وزیری مراجعه نمودند . با راهنمایی رئیس کلانتری مرکز ۵ نفر از سن حدود
انتخاب و در دفتر جناب کورنر کلانتری و اندک استهین شرکت داشتند حضور بهم رساندند که آنها جناب مطالبی
در باره کار و راهنمایی های لازم از نظر سرپرستی والدین نسبت به فرزندان خود و استعانت از آنها بیان داشتند و سپس
نسبت به درخواست آنها استعلام فرمودند که یکی از بانوان به ما پندگی از طرف جبار فرزند بگرمطالعی ابراهیم
و جناب رنگنه را مورد توجه در خواست رسیدگی نمود :

- ۱- رسیدگی به مواد غذایی بهویژه پاک کردن برنج و حبوبات
- ۲- ارسال روزنامه ها بدون بردن بعضی از مطالب آنها
- ۳- بخش برنامه های ایدئولوژی
- ۴- کم کردن فاصله بین ملاقات کنندگان و ملاقات شوندگان

ضمناً باستحضار میرساند که در روز دوشنبه ۲۵۳۷/۱/۷ ساعت ۳ بعد از ظهر در دفتر بگرمطالعی از بانوان مجدد
نخست وزیری مراجعه و با اینجناب ملاقات نمودند ، پیرو مذاکرات روز قبل اینجناب نیز به کلامی در باره راهنمایی
و ارشاد فرزندان نشان به آنها ممتذکر شد و در مورد درخواستهای آنها استعلام نمودم که نکات زیر را یاد آور شدند :

- ۱- پلیس نگهبان زندان قهر نسبت به بانوان مراجعه کننده بدرفتماری بیخوابد
- ۲- استعلامی تجدید نظر رسیدگی نسبت به وضع زندان بان را داشته اند .
- ۳- اجازه ملاقات دادن به آنها
- ۴- اجازه میخواستند افرادی به نمایندگی از طرف خانواده زندان بان به زندان مراجعه و وضع زیست و خوراک و دیگر وضعیت
آنها را از نزدیک مشاهده نمایند .
- ۵- در خانه های آنها در می شود که نام موارد یاد شده بالا بوسیله اینجناب تلفظ با اطلاع تیمسار سرتیپ پرنیان قورنر
سازگای تهران رسیده است .

با احترام . فرستاد
۲۵۳۷/۱/۸

۷-۲۲۴-۳۲۱

تصویر ۲. درخواست مادران زندانیان سیاسی از مقامات مسئول مبنی بر کاستن از فاصله میان ملاقات کنندگان و ملاقات شوندگان (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۳۳۱-۲۶۴-۷م)

پی نوشت ها

۱. برخی از آیین نامه هایی که مستشاران سوئدی در دوران مشروطه تدوین کردند عبارت بود از: نظام نامه محابس، قواعد عمومی، نظام نامه رؤسا و مأموران نظمیه، احکام و دستورالعمل های اداره نظمیه.

اتاق ملاقات زندان و فراگرد کنترل تکنولوژیکی زندانیان ... (یعقوب خزائی) ۱۱۷

۲. برخی محققان به اشتباه تصور کرده‌اند که حق ملاقات زندانیان نخستین بار در آیین‌نامه ۱۳۰۷ لحاظ شد (گودرزی بروجردی و مقدادی ۱۳۸۳: ۱۹۹).
۳. زندان عصر قاجار را «انبار» می‌نامیدند (مجله خاطرات وحید ۱۳۵۴: ۱۷).
۴. همان‌طور که دشتی اشاره کرده است، ملاقات با زندانیان محبس عمومی، که همگی از سارقان بودند، ممنوع بود (دشتی ۱۳۸۰: ۵۹).
۵. آرشاک یکی از زندانیان زندان موقت شهربانی تهران صدای بمی داشت و از او به‌عنوان بلندگوی زندان استفاده می‌شد. آرشاک نام زندانیانی را که در دفتر زندان با آنان کار داشتند یا ملاقاتی داشتند صدا می‌زد. او از این کار خود روزی ده الی پانزده تومان درآمد داشت (خطیبی ۱۳۳۳: ۳۰).
۶. مهدوی بعد از آزادی از زندان به مقام وزارت بازرگانی رسید.
۷. از اعضای حزب دموکرات کردستان.
۸. روز ۲۱ مرداد ۱۳۳۳ قریب به یک سال بعد از کودتا سروان عباسی دست‌گیر شد و به‌دنبال اعترافات وی، ۲۷ افسر از جمله وکیلی اعدام و قریب به شش صد تن راهی زندان شدند (علوی ۱۳۸۵: ۱۷۸؛ خامه‌ای ۱۳۷۱: ۱۰۴۴).
۹. البته هنوز زندان‌های مهمی هم چون قزل‌قلعه هم بودند که در آن‌ها ملاقات‌ها حضوری انجام می‌گرفت. به‌گفته پارسا، خانواده‌ها در محوطه بیرون قزل‌قلعه می‌آمدند و زندانیان هم چهارپایه‌های تاشوی محقری داشتند که می‌بردند و با خانواده‌ها می‌نشستند و صحبت می‌کردند (پارسا ۱۳۸۸: ۱۷۴).
۱۰. نصب توری میان زندانی و ملاقات‌کننده به‌علت ممانعت از تماس احتمالی بود (جعفری ۱۳۸۹: ۲۰۶).
۱۱. همان کمیته مشترک ضد خراب‌کاری یا موزه عبرت کنونی در میدان مشق است.
۱۲. برادر بهروز دهقانی از اعضای سازمان چریک‌های فدایی خلق.

کتاب‌نامه

- ابراهیم‌زاده، راضیه (۱۳۸۱)، *خاطرات یک زن توده‌ای*، به‌کوشش بهرام چوبینه، تهران: دادار.
- اربابی، بهداد (۱۳۷۷)، *فتنه دور قمری (خاطرات زندان)*، تهران: ما.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۰۸/۳/۲۲)، س ۳، ش ۷۸۸.
- بازرگان، پوران (۱۳۷۲)، «خاطره من از مشارکت زنان در بخشی از جنبش مسلحانه دو دهه ۱۳۴۰ و ۵۰»، *مجله آرش*، ش ۲۵-۲۶.

- بازرگانی، بهمن (۱۳۹۷)، *زمان بازیافته خاطرات سیاسی بهمن بازرگانی*، مصاحبه‌کننده امیر هوشنگ افتخاری راد، تهران: اختران.
- بقیعی، غلام‌حسین (۱۳۷۳)، *انگیزه؛ خاطراتی از دوران فعالیت حزب توده*، تهران: رسا.
- بلوریان، غنی (۱۳۸۴)، *ثاله‌کوک (برگ سبز)؛ خاطرات غنی بلوریان*، ترجمه رضا خیری، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- پارسا، اصغر (۱۳۸۸)، *فرزند خصال خویشتن*، به‌همت علی پارسا، تهران: نشر نی.
- جزنی، بیژن (بی‌تا)، *تاریخ سی ساله ایران*، بی‌جا: بی‌نا.
- جعفری، محمدمهدی (۱۳۸۹)، *هم‌گام با آزادی: خاطرات شفاهی دکتر سیدمحمدمهدی جعفری*، مصاحبه و تدوین سیدقاسم یاحسینی، قم: صحیفه خرد.
- جودت، حسین (۲۵۳۶)، *از انقلاب مشروطیت تا انقلاب شاه و ملت*، بی‌جا: درخشان.
- حاجبی تبریزی، ویدا (۱۳۸۴)، *داد بی‌داد: نخستین زندان زنان سیاسی ۱۳۵۰-۱۳۵۷*، تهران: بازتاب نگار.
- حدیدچی (دباغ)، مرضیه (۱۳۸۶)، *خاطرات مرضیه حدیدچی (دباغ)*، به‌کوشش محسن کاظمی، تهران: سوره مهر.
- حق‌شناس، تراب (مرتضی) (۱۳۹۸)، *از فیضیه تا پیکار خاطرات و نوشته‌ها، فرانکفورت: اندیشه و پیکار*.
- خاطرات محمدمحسن خاکساران (۱۳۸۳)*، به‌تدوین مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مجله *خاطرات وحید* (۱۳۵۴)، «اجرای حکم اعدام»، ش ۴۱.
- خامه‌ای، انور (۱۳۷۲)، *خاطرات سیاسی*، تهران: گفتار.
- خزائی، یعقوب (۱۳۹۸)، *فرایند ساخت‌یابی نهاد زندان*، تهران: آگه.
- خطیبی، پرویز (۱۳۳۳)، *خاطرات زندان حاجی‌بابا*، تهران: بی‌نا.
- مجله *خواندنی‌ها* (۱۳۳۳/۴/۲۶)، س ۱۴، ش ۸۵.
- دانش، تاج‌زمان (۱۳۸۸)، *زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر تاج‌زمان دانش*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- دشتی، علی (۱۳۸۰)، *ایام محبس*، تهران: اساطیر.
- دعاگو، محسن (۱۳۸۲)، *خاطرات حجت‌الاسلام محسن دعاگو*، به‌تدوین زهره کلاچیان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دهقانی، اشرف (بی‌تا)، *حماسه مقاومت*، بی‌جا: مردم.

- سالنامه توده (۱۳۴۹)، بی‌جا: حزب توده ایران.
- سپهر، احمدعلی (۱۳۳۶)، ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸، تهران: بی‌نا.
- سلطانی، محمدطاهر (۱۳۸۴)، *خاطرات سلطانی؛ از قصر شیرین تا قصر قجر*، به‌اهتمام محمدعلی سلطانی، تهران: سها.
- سماکار، عباس (۱۳۸۱)، *من یک کشور شورشی هستم: خاطرات زندان*، تهران: مهراندیش.
- سیفی فمی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۷)، *پلیس خفیة ایران؛ مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخی شهر یانی ۱۲۹۹-۱۳۲۰*، تهران: ققنوس.
- شمس، علی (۱۳۸۴)، *اسنادی از زندان و زندانیان در عصر پهلوی*، زیر نظر علی شمس، با همکاری علی کریمیان و حسین زرینی، تهران: راه تربیت.
- طبری، احسان (بی‌تا)، *شکنجه‌های رضاخان قلدر*، بی‌جا: ا. آهن.
- علوی، بزرگ (۱۳۸۵)، *گذشت زمانه*، تهران: نگاه.
- عمویی، محمدعلی (۱۳۷۷)، *درد زمانه*، تهران: آرزان.
- غیاثیان، سعید (۱۳۸۸)، *تاریک روشن: خاطرات زندانیان سیاسی قبل از انقلاب در کمیته مشترک ضدخراب‌کاری*، تهران: موزه عبرت ایران.
- قهرمانلو، ایرج (۲۰۱۵)، *گذر از آتش*، سوئد: مؤلف.
- قهرمانیان، صفر (۱۳۷۸)، *خاطرات صفرخان (صفر قهرمانیان)*، تهران: نشر چشمه.
- کمالوند، فریده (۱۳۸۰)، *یادهای ماندگار: خاطرات من و همسرم دکتر هوشنگ اعظمی لرستانی*، تهران: اشاره.
- کیانوری، نورالدین (۱۳۷۲)، *خاطرات نورالدین کیانوری*، تهران: اطلاعات.
- کی مرام، منوچهر (۱۳۷۴)، *رفقای بالا*، تهران: شب‌اویز.
- کی منش، تقی (۲۰۱۹)، *خاطرات تقی کی منش (۱۳۰۱-۱۳۵۷)*، به‌اهتمام بهروز مطلب‌زاده، بوخوم: آیدا.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا و لیلا مقدادی (۱۳۸۳)، *تاریخ تحولات زندان*، تهران: میزان.
- مختاری، پاشالوواء (۱۳۲۹)، *تاریخ هفتادساله پلیس ایران*، بی‌جا: چاپ‌خانه ارتش.
- مرادی‌نیا، محمدجواد (۱۳۸۴)، *کمیته مجازات و خاطرات عمادالکتاب*، تهران: اساطیر.
- مظاهری، عباس (۱۳۸۵)، *شکوفه‌های درخت انار؛ یادهای ۴۷۹۱ روز زندان در دیکتاتوری شاهنشاهی ۱۳۴۴-۱۳۵۷*، کلن: گفت‌وگوهای زندان.
- ملکی، خلیل (۱۳۸۱)، *نامه‌های خلیل ملکی*، تهران: مرکز.
- ملکی، خلیل (۱۳۸۶)، *برخورد عقاید و آرا*، تهران: مرکز.

۱۲۰ جستارهای تاریخی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۱-۳۱-۰-۱۴۴م.

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۳۳۱-۲۶۴-۷-م.

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۵-۲۶-۲۵۶الف.

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۶-۲۶-۲۵۶الف.

میثمی، لطف‌الله (۱۳۹۸)، *تولد دوباره؛ خاطرات لطف‌الله میثمی*، تهران: صمدیه.

نجات‌حسینی، محسن (۱۳۸۲)، *برفراز خلیج فارس؛ خاطرات محسن نجات‌حسینی*، تهران: نی.

وکیلی، جعفر (۱۳۵۹)، *نامه‌ها از زندان*، تهران: علم.

هومن، احمد (۱۳۳۹)، *زندان و زندانی‌ها یا رژیم پنی‌تانسیر*، تهران: دانشگاه تهران.

یاحسینی، سیدقاسم (۱۳۸۸)، *خاطرات ماشاء‌الله کازرونی*، مصاحبه و تدوین سیدقاسم یاحسینی،

تهران: سوره مهر.

یادداشت‌هایی از زندان اوین (بی‌تا)، بی‌جا: تکثیر و توزیع از نهضت آزادی ایران.